

Evaluation of Iraq's Foreign Policy Strategy Towards the Islamic Republic of Iran (2023-2024)

Mohammad Karim Alivi Halat¹, Mohammad Javad Norouzi², Ghani Zagher Atiyeh Al Mohammad³,
MohammadReza Agharebparast⁴

¹ PhD student, Department of International Relations, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Mohammed.kareem1403@gmail.com

² Professor, Department of International Relations, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran (**Corresponding author**), mohamadjavadnorouzi@yahoo.com

³ Assistant Professor, University of Kufa, Najaf, Iraq, ghanizagher@gmail.com

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. aghareb@yahoo.com

Abstract

The aim of this research is to explain the elements and variables affecting Iraq's foreign policy towards Iran. In this regard, the main research question is: in light of the political developments following Saddam's fall, what are the most significant elements and factors influencing Iraq's foreign policy towards Iran from 2003 to 2024? The research method is descriptive-analytical, and the results show that Saddam's fall after the U.S. invasion paved the way for the rise of Shia and Kurdish groups affiliated with and aligned to Iran. On the one hand, Iraqi Shia and Kurdish groups favor Iran's presence in Iraq's political arena to maintain the balance of power, which had long been dominated by the Sunnis, in their favor. Consequently, the new power structure in Iraq has worked to Iran's advantage. The U.S. entry into Iraq and the containment of Iran's strategic rival pushed Iraq's foreign policy closer to Iran, creating a new opportunity for Iran. The decline of Sunni Arab influence due to the Shia ascension to power in Iraq further enhanced Iran's importance in Iraq's domestic politics. Given that Shia religious parties hold power in Iraq and form its government, Iran's influence in this country is significant both politically and militarily. Most of the prominent militias in Iraq are supporters of Iran. Additionally, Iran's high influence on various Shia political groups can serve as leverage for maintaining stability and security, and the Islamic Republic has, at different times, played the role of mediator between various ethnic and religious groups.

Keywords: Foreign Policy, Iraq, Iran, Political Parties, Foreign Relations.

ارزیابی راهبرد سیاست خارجی عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۳-۲۰۲۴)

محمد کریم علیوی حلات^۱، محمدجواد نوروزی^۲، غنی زغیر عطیه ال محمد^۳، محمدرضا اقارب‌پرست^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Mohammed.kareem1403@gmail.com

^۲ استاد، گروه روابط بین‌الملل، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mohamadjavadnorozhi@yahoo.com

^۳ استادیار، دانشگاه کوفه، نجف، عراق. ghanizaghir@gmail.com

^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. aghareb@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین عناصر و متغیرهای اثرگذار سیاست خارجی عراق در قبال ایران است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که: در پرتو تحولات سیاسی پس از صدام، مهم‌ترین عناصر و عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی عراق در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ کدامند؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، سقوط صدام پس از حمله آمریکا، زمینه به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای مرتبط و همسو با ایران را فراهم نمود. از طرفی گروه‌های شیعی و کرد عراق به نوعی علاقه‌مند به حضور ایران در صحنه قدرت و سیاست عراق می‌باشند، تا از این طریق تعادل قدرت مرکزی که سال‌ها در اختیار سنی‌ها بود، به نفع آنها حفظ گردد. بنابراین، ساخت جدید قدرت و سیاست در عراق، به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است. ورود آمریکا به عراق و زمین‌گیر شدن رقیب استراتژیک ایران، سیاست خارجی عراق را به سمت ایران سوق داد و فرصت دیگری بود که در اختیار ایران قرار گرفت. کاهش نفوذ اعراب سنی به دلیل به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور نیز باعث شد اهمیت ایران در معادلات داخلی عراق افزایش یابد. از آنجا که احزاب دینی شیعی در عراق در رأس قدرت بوده و حکومت این کشور را تشکیل می‌دهند، لذا، نفوذ ایران در این کشور، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی در سطح بالایی قرار دارد. شبه‌نظامیان مطرح در عراق، همگی پشتیبان ایران هستند. همچنین نفوذ بالای ایران در گروه‌های مختلف سیاسی- شیعی می‌تواند به عنوان یک اهرم برقراری ثبات و امنیت مورد استفاده قرار گیرد و جمهوری اسلامی در مقاطع گوناگون به عنوان بازیگر میانجی به وساطت بین گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ایفای نقش کرده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، عراق، ایران، احزاب سیاسی، روابط خارجی.

استاد به این مقاله: علیوی حلات، محمد کریم؛ نوروزی، محمدجواد؛ اقارب‌پرست، محمدرضا (۱۴۰۳). ارزیابی راهبرد سیاست خارجی عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۳-۲۰۲۴). *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۲)، ص ۲۷-۴۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در حوزه سیاست خارجی بخش مهمی از پژوهش‌ها به بررسی همسایگان اختصاص یافته و این امر به دلیل ارتباط مستقیم با منافع ملی و امنیت با همسایگان است. پس از اشغال عراق از سوی امریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی و سقوط صدام، شاهد تحولات شگرفی در عرصه سیاست داخلی و خارجی عراق هستیم. عراق به خاطر وزن سیاسی و ظرفیت بالقوه اقتصادی، نظامی و جغرافیایی آن، یکی از بازیگران اصلی در منطقه خاورمیانه بوده و از این رو، به همان میزان که از دگرگونی‌های منطقه تأثیر می‌پذیرد، خود نیز بر آن تأثیرگذار است. در این راستا، کشور عراق در میان همسایگان ایران موقعیت ویژه‌ای دارد. ویژگی‌های سیاسی، امنیتی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و قومی عراق به گونه‌ای است که ماهیت قدرت و سیاست در این کشور و به تبع، نوع روابط آن را با همسایگانش پیچیده ساخته است. ایران همواره در سیاست خارجی عراق جایگاهی خاص داشته است. در گذشته نگاه دو کشور ایران و عراق به یکدیگر، نگاه امنیتی بوده است. اما در وضعیت جدید با تحولاتی که در حوزه سیاسی عراق پس از سقوط صدام رخ داده است، گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به سوی رقابت و همکاری پیش رفته است. عراق پس از صدام در برگیرنده عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن، موجب تغییر در ژئوپلیتیک منطقه شده است. با حضور شیعیان در رأس قدرت عراق و شکل‌گیری نوع جدیدی از ساختار قدرت، شاهد تغییر از فضای امنیت‌سازی به فرصت‌سازی هستیم و همین مسئله باعث شده است تا محیط سیاسی - امنیتی ایران را متأثر سازد. سیاست خارجی عراق ریشه‌های عمیق داخلی دارد و صرفاً برخاسته از ماهیت رژیم و نگرش رهبری آن نیست. از این زاویه، شاید درک جهت‌گیری سیاست خارجی عراق جدید مستلزم درک محیط پیچیده داخلی و خارجی این کشور باشد که در عرصه تصمیم‌گیری و کنش خارجی، زمینه‌های محدودکننده و ساخت‌های اجبارآمیزی برای رهبری این کشور ایجاد می‌کند. شناخت اهداف و اصول سیاست خارجی عراق و جریان‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آن، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ میلادی و حمله امریکا به این کشور و شکل‌گیری متغیرهای جدید، همچون تقویت عنصر شیعی و کردی در ساخت قدرت و حکومت عراق، استقلال هرچه بیشتر کردها و روند حرکت عراق از یک دشمن استراتژیک به یک همکار منطقه‌ای و آثار آن بر امنیت و منافع ملی ایران، امری ضروری و مهم است که می‌طلبد اهتمام بیشتری به آن صورت گیرد. با عنایت به تحولات عراق نوین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین متغیرها و عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی عراق در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون کدامند؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که عناصر و عواملی همچون اشتراک مذهبی، دولت‌های برخاسته از انتخابات پارلمان، نفوذ امریکا در عراق و احزاب و جریان‌ات سیاسی شیعی و احزاب کرد

در جهت‌گیری سیاست خارجی عراق به نفع ایران تاثیرگذار بوده است.

۲. چارچوب نظری

یکی از شاخه‌های فرعی اما مهم در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سیاست خارجی است که رفتار خارجی دولت را در عرصه جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه سیاست خارجی به مطالعه چرایی و چگونگی رفتار دولت در خارج می‌پردازد (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۶۱). اینکه دولت‌ها در خارج چگونه رفتار می‌کنند، به چه شیوه‌ای به اهداف و اولویت‌های خود شکل می‌دهند، چه ابزارها و روش‌هایی برای رسیدن به اهداف خود برمی‌گزینند و چگونه به سیاست خارجی خود تداوم بخشیده و یا متأثر از چه شرایطی تغییر رفتار می‌دهند، همه در کانون علایق مطالعات سیاست خارجی قرار دارد. از این چشم‌انداز، نظریه‌های روابط بین‌الملل به طور عام و پژوهش‌های مربوط به حوزه سیاست خارجی به طور خاص می‌کوشند تحلیل‌های مفهومی قاعده‌مند، فراگیر، توصیفی و پیش‌بینی‌پذیری از رفتار خارجی واحدهای ملی ارائه دهند. با این وجود، در بین نظریه‌پردازان، در اینکه چه عوامل و مؤلفه‌هایی به رفتار خارجی دولت شکل می‌دهند، اتفاق نظر چندانی دیده نمی‌شود. هر یک از نظریه‌های کلان و رایج روابط بین‌الملل با مفروض‌های متفاوت معرفت‌شناختی، هستی‌شناسانه و انسان‌شناختی، از منظری به بررسی سیاست خارجی پرداخته و هر یک بر عنصر یا عناصری تأکید می‌کنند.

نظریه‌پرداز مشهور امریکایی، هانس جی مورگنتا^۱، ریشه رفتار خارجی دولت را در سرشت بشر می‌جوید. به نظر او دولت به عنوان یگانه بازیگر خردمند، یکپارچه و منفعت‌جو، دغدغه‌ای جز حفظ یا پیشینه کردن قدرت ندارد (همان، ص ۶۲). نظریه‌پرداز نواقعی‌گرای به نام کنت والتز^۲ با تکیه بر ساخت آنارشیک نظام بین‌المللی، درصدد ارائه الگوی عام در تبیین رفتار خارجی دولت‌ها برآمد. وی در چارچوب مفهوم ساختار بیان می‌کند که واحدهای ملی چگونه به‌رغم تفاوت‌ها و تمایزهای آشکارشان در استفاده از قدرت، در تعامل با یکدیگر و در برخورد با ساختار هرج‌ومرج گونه نظام بین‌المللی، کارکرد یکسانی از خود بروز داده و با استفاده از شیوه خودیاری و توازن‌بخشی به قدرت، درصدد تأمین بقاء و امنیت خود برمی‌آیند (والتز، ۱۳۸۶، ص ۳۰-۵).

برخلاف واقع‌گرایی و واقع‌گرایی نو که تصویری منازعه‌آمیز از رفتار دولت در عرصه سیاست جهانی ارائه می‌کند، رویکرد لیبرالی سمت‌گیری و کنش خارجی آن را برآیند رقابت منافع و گروه‌های اجتماعی و سیاسی در داخل نظام می‌داند. در نگرش لیبرالی برای دولت ماهیت مستقلی قائل

1. Hans Morgenthau

2. Kenneth Waltz

نمی‌شود و کنش خارجی آن را نتیجه رقابت و سلطه گروه‌های داخلی مطرح می‌کند. در این چارچوب هدف یگانه دولت صرفاً قدرت، امنیت و بقاء نیست، بلکه در کنار آن تأمین رونق اقتصادی و رفاه نیز اولویت پیدا می‌کند. نظریه سازه‌انگاری تصویر نوینی در مطالعه سیاست خارجی ارائه نموده است. باید گفت که سازه‌انگاران در کنار ابعاد فیزیکی قدرت، به مولفه قدرت گفتمانی و هنجاری هم تأکید داشته و قدرت ملی را چیزی فراتر از توان صرف اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی می‌دانند (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

بررسی نظریه‌های کلان مربوط به سیاست خارجی حاکی از آن است که:

- ۱) سیاست خارجی کنشی اجتماعی، پیچیده، متداخل و چند لایه است که در شکل‌گیری آن متغیرهای مختلفی دخیل هستند. مولفه‌های دخیل چنان گسترده می‌باشند که اساساً ارائه هرگونه تحلیل تعمیم‌پذیر و علی از رفتار خارجی دولت‌ها را دشوار می‌سازد. این دشواری از ارائه تبیین علی و تجربی، ریشه در ماهیت پیچیده پدیده‌های اجتماعی از جمله سیاست خارجی دارد.
- ۲) بدون تردید نظریه‌ها چارچوب مفهومی سودمندی برای فهم سیاست خارجی دولت‌ها به‌شمار می‌آیند. در سایه چنین ابزارهای تحلیلی است که می‌توان به بررسی و مطالعه روش‌مند سیاست خارجی پرداخت و به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مبادرت کرد.
- ۳) سیاست خارجی پدیده‌ای انتزاعی نیست که در خلاء اتفاق افتد، بلکه در محیط داخلی و بین‌المللی انجام می‌گیرد، که واجد ماهیتی مادی و در عین حال هنجاری و بین‌الذاتانی است.

۳. اصول و اهداف سیاست خارجی عراق

اکنون قانون اساسی عراق، به‌رغم تمام اختلافات و چالش‌های آن در میان جامعه عراق، به‌مثابه سندی بالادستی است که نهادها و نظم سیاسی مستقر نوین در این کشور، حول آن چیش شده و راهبرد کلان کشور در حوزه سیاست‌گذاری خارجی بر پایه آن تنظیم شده است. بنابراین، این سند، بر تمام حلقه‌های تصمیم‌گیر در عراق تأثیرگذار است. در واقع، قانون اساسی را می‌توان مادر همه قوانین و زمینه‌ساز شکل‌دهی به سایر نهادهای حقوقی-حاکمیتی تصمیم‌گیر در عرصه سیاست‌گذاری خارجی عراق به‌شمار آورد. قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی توسط فرماندومی مردمی به رأی گذاشته شد و در سال ۲۰۰۶ میلادی به تصویب رسید.

مهم‌ترین خطوط و مبانی نظری سیاست خارجی عراق در سطح منطقه‌ای به شرح زیر است:

۳-۱. استقلال عملکرد سیاست خارجی

ماهیت سیاست خارجی عراق در دوره پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، در اصل خودمختاری و

همسویی آن با منافع ملی محض، نمود می‌یابد. از این‌رو عراق نوین، سیاست خارجی مستقلی را در پیش گرفته است. سیاست خارجی عراق با منطق ثبات، آرامش، عقلانیت، عینیت و توازن خارجی عمل می‌کند، به‌گونه‌ای که رویدادهای شتابزده منطقه بر ثبات جهت‌گیر و پویایی اثربخش آن تأثیری ندارد و این موضوع، مقبولیتی منطقه‌ای برای عراق به ارمغان آورده که این کشور را به درجه بالایی از تحرک و تعامل آزاد و شفاف با کشورهای جهان سوق داده است. تعهد به اصل احترام به حاکمیت کشورها، براساس یک سیاست واقع‌گرایانه، تعادلی میان نیازهای مختلف عراق برای پیشبرد سیاست خارجی جهت تحقق اهداف مورد نظر ایجاد کرد (عبدالحسین، ۲۰۱۵م، ص ۱۰۹). در این راستا، دولت عراق تلاش کرده اهداف خارجی خود را از طریق ابزارهای معقول و منطقی و گفت‌وگو دیپلماتیک وزین دنبال کند.

۳-۲. دوری جستن از ائتلاف‌های متخاصم منطقه‌ای

سیاست خارجی عراق بر ضرورت دوری جستن از سیاست ائتلاف‌های (عدوانی) در حلقه منطقه‌ای تأکید می‌کند. عراق امروز آرزو دارد بی‌آنکه به منافع کشورهای منطقه آسیب برساند، به ایفای نقشی پیشرو پردازد و بر نفی سیاست جبهه‌گیری‌ها به عنوان یک اصل بنیادین در تعاملات خارجی، به ویژه در خاورمیانه تأکید کند (دحام متعب، ۲۰۱۳م، ص ۹۳). سیاست خارجی عراق در این مرحله می‌کوشد تا از مرحله واکنش‌های دیپلماتیک، که ویژگی بارز مرحله قبلی بود، به مرحله عملی ساختن کارهای برنامه‌ریزی شده انتقال یابد، تا از این طریق راه را برای ایفای نقش گسترده‌تری جهت ترسیم معادلات منطقه‌ای در منطقه هموار کند و در جهت تحکیم سیاست خارجی به واسطه اصل استقلال و خارج شدن از دایره وابستگی منطقه‌ای که نقش مهمی در محدود ساختن دیدگاه‌های خارجی عراق داشت، گام بردارد. این پیشرفت در رویکرد سیاست خارجی به نقش مثبت وسیع‌تری برای عراق در حلقه تعاملات منطقه‌ای این کشور منجر شده است.

۳-۳. اجتناب از درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای

عراق از سیاست‌های اشتباه جنگ‌ها دچار مشکل شده و اینگونه سیاست‌ها جز مصیبت و مشقت چیزی برایش به همراه نداشته است. از این‌رو سیاست خارجی عراق برای حلّ و فصل بحران‌های منطقه‌ای، بر منطق صلح و گفتگوهای سازنده دیپلماتیک تأکید دارد. سیاست خارجی عراق امروزه به دنبال مجموعه‌ای از روابط متقابل است که تعاملات منطقه‌ای را روشن می‌سازد. اگرچه منطقه خاورمیانه امروزه از اوج‌گیری و تداوم درگیری‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای رنج می‌برد (فکرت نامق، ۲۰۱۵م، ص ۱۵)، اما عراق می‌کوشد خود را از ایفای نقش دروازه‌ای برای منازعه‌ها و خطرهایی که منطقه و کشورهای همسایه را تهدید می‌کنند، دور نگه دارد. جهت‌گیری سیاست خارجی عراق در

تعامل با همسایگان و کشورهای منطقه به سمت رفتار صلح‌آمیز و صادقانه با محیط اطراف خود پیش می‌رود و حضور هرگونه سازمان یا نهادی که تهدیدی مستقیم یا غیرمستقیم برای کشورهای منطقه باشد را نفی می‌کند.

۳-۴. گشایش راهبردی در چارچوب تعاملات صلح‌آمیز

منطق سیاست خارجی عراق براساس اصل گشایش راهبردی به روی تمام قدرت‌های منطقه‌ای تدوین می‌شود. همچنین عراق مایل است تا درهای خود را به روی همه کشورهای عربی و منطقه‌ای بگشاید و اختلافات موجود را کنار بگذارد. بر همین اساس اخیراً با تمام کشورهای منطقه رابطه نزدیک برقرار کرده، و آخرین بار روابط خود با عربستان سعودی و نیز کشورهای حاشیه خلیج را به طور کلی بهبود بخشیده است. با مشاهده سیر حرکت سیاست خارجی عراق در منطقه مشخص می‌شود که این کشور در جهت ایفای نقش منطقه‌ای جدید گام برداشته و قصد دارد از طریق آن تعادلی به ماهیت تعاملات منطقه‌ای جاری بدهد (عطوان، ۲۰۰۴م، ص ۳۱۵). بنابراین، احیای نقش عراق به عنوان یک قطب منطقه‌ای، باعث برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای خواهد شد.

۳-۵. جهت‌گیری به سمت توازن منطقه‌ای استراتژیک از طریق روش‌های صلح‌آمیز

عراق توانایی آن را دارد که نقش یک عامل توازن‌بخش را در حلقه ائتلاف‌های متخاصم برعهده بگیرد؛ به طوری که در تلاش است نقش یک عامل توازن‌بخش را ایفا کند. پس از وقوع بحران‌های منطقه‌ای و بروز اختلاف‌های ناشی از آن، طرف‌های درگیر را بر آن داشت که عراق را به نفع خود جذب کنند؛ زیرا بر این باور بودند که مواضع عراق می‌تواند توازن قوا را در منطقه تغییر دهد. از این‌رو، کوشیدند تا آن را به عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه، به سمت خود جذب کنند؛ چراکه اخلال در توازن استراتژیک قوا در منطقه، تغییرات عمده‌ای در ساختار ائتلاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و طرف‌های آنها ایجاد کرده است (دحام متعب، ۲۰۱۳م، ص ۱۰۱). اگر عراق این سیر حرکت سیاست گشایش راهبردی را در تعامل با تمام طرف‌ها ادامه دهد، می‌تواند نقش یک مهندس استراتژیک را برای شکل دادن به این ائتلاف‌ها و چارچوب‌های آنها ایفا کند؛ زیرا تمام ائتلاف‌ها در منطقه براساس دو هدف استراتژیک تشکیل می‌شوند: نخست، نگرانی متقابل امنیتی در میان متحدان، و دوم، منافع مشترک در همه اشکال آن است.

۴. عوامل موثر بر رویکرد سیاست خارجی عراق در قبال ایران

بروز تحولات جدید سیاسی در عراق، موازنه قدرت را به نفع جمهوری اسلامی رقم زده است. سقوط صدام زمینه به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای مرتبط و همسو با ایران را فراهم نمود. از طرفی

گروه‌های شیعی و کرد عراق به نوعی علاقه‌مند به حضور ایران در صحنه قدرت و سیاست عراق می‌باشند، تا از این طریق تعادل قدرت مرکزی که سال‌ها در اختیار سنی‌ها بود، به نفع آنها حفظ گردد (هراتی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲)؛ به گونه‌ای که ساخت جدید قدرت و سیاست در عراق، به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است.

۴-۱. مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی یک کشور آثار قابل توجهی بر قدرت و سیاست خارجی آن کشور دارد. برخی از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل بر این باور هستند که موقعیت جغرافیایی در واقع تمام سیاست خارجی یک کشور را تعیین می‌نماید. بررسی سیاست خارجی عراق حاکی از آن است که ساختار جغرافیایی یکی از عوامل ثابت و تأثیرگذار بر رفتار سیاسی این کشور در منطقه بوده است. عراق از جمله کشورهایی است که در تنگنای جغرافیای سیاسی دشواری قرار گرفته است (صادقی، مارابی و اکسا، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹). در بخش خاوری عراق، کشور پهناور و قدرتمند ایران قرار گرفته است. در مرزهای شمالی و شمال باختری با سوریه هم‌مرز بوده که با اختلافات هیدروپلیتیکی بر سر مسأله آب رود فرات و چگونگی بهره‌برداری دو کشور از آن، همچنین قطع لوله نفت ماورای سوریه از سوی دولت دمشق، برخی مواقع، مجموعه‌ای از دشواری‌ها را ایجاد می‌کند که از دید جغرافیای سیاسی، این کشور را در آن مرزها محبوس ساخته است (مجتهدزاده، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲).

از سویی روابط عراق با ترکیه نیز هیچ‌گاه اطمینان‌بخش نبوده است، این روابط پیوسته متأثر از دو مسأله عمده است: نخست، مسأله کنترل ترکیه بر آب رودخانه دجله که می‌کوشد با بستن سد‌هایی بر روی آن، حداکثر بهره‌برداری را از این رودخانه به عمل آورد؛ اقدامی که بر زندگی کشاورزی عراق اثر ویران‌کننده‌ای بر جای گذاشته است. دوم، مسأله ادعای کم‌سر و صدای ترکیه در زمینه مالکیت بر مناطق نفتی اقلیم کردستان است. هرچند که در بخش شمال غربی، مناسبات عراق با اردن همیشه عادی بوده است؛ اما دسترسی به دنیای خارج از راه اردن نیز برای بغداد نامطمئن بوده است؛ چراکه کرانه اردن و تنها راه دسترسی آن کشور به دریای آزاد به خلیج عقبه محدود است؛ جایی که چیرگی استراتژیک اسرائیل بر آن تردیدناپذیر است. در بخش جنوبی، مرزهای عراق و عربستان سعودی از میان بیابان‌های بیکران شمال شبه جزیره عربستان می‌گذرد؛ جایی که هیچ امتیاز اقتصادی و استراتژیکی را به این کشور وعده نمی‌دهد. مناسبات سیاسی بغداد و ریاض نیز به دلیل تفاوت ماهوی دیدگاه‌های هیأت‌های حاکمه دو کشور، چه در دوران صدام و چه پس از آن، تنها جنبه تاکتیکی داشته است.

با چنین دشواری تنگنای جغرافیای سیاسی، عراق برای تأمین منافع ژئوپلیتیک خود در منطقه

چاره‌ای نمی‌دید جز اینکه نگاه استراتژیک خود را بر ایران متمرکز سازد؛ سرزمینی که ۱۸۰۰ کیلومتر خط کناره‌ای در خلیج فارس و دریای عمان دارد. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به خط کرانه‌ای کوتاهی حدود ۶۰ کیلومتر محدود بوده و قابلیت اقتصادی و نظامی این خط کرانه‌ای بسیار اندک و نامساعد است. عدم قابلیت کرانه کوتاه عراق در شمال باختری خلیج فارس تا آن اندازه است که گسترش پایانه و تأسیسات نفتی عراق به منطقه فاو در دهانه اروندرود محدود است. لذا، برای تحلیل بهتر باید گفت که عناصر ژئوپلیتیک عراق، بر ایجاد روابط بهتر میان عراق و ایران اثر می‌گذارد و روابط حسنه میان ایران و عراق، باعث استفاده ایران از این کدهای ژئوپلیتیک شده و بهره‌گیری از این کدهای ژئوپلیتیک توسط ایران منجر به گسترش دامنه ژئوپلیتیک ایران در منطقه می‌شود. در یک جمع‌بندی می‌توان استنتاج کرد که عراق تلاش کرده سیاست خارجی خود را طوری طراحی نماید که بتواند محیط را مطابق با ویژگی‌های درونی خود هماهنگ کند. آنچه مهم است اینکه، هرگونه سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی در عراق متأثر از وضعیت جغرافیایی عراق خواهد بود و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در عین حال می‌توان گفت سایه اختلاف‌های مرزی و تاریخی بر سر روابط خارجی عراق با دو کشور ایران و کویت، از بین نخواهد رفت.

۴-۲. شکاف‌های قومی-مذهبی ناهمگون و بحران هویت ملی

کشور عراق از ابتدا بافت قومی و مذهبی چندپاره داشته و همین مسئله مانع انسجام اجتماعی شده است. عراق جدید همچنان با بحران هویت ملی و تکوین نیافتگی ملت- دولت مواجه است. هرچند از سال ۲۰۰۳ میلادی، ساختار جدید سیاسی مبتنی بر فدرالیسم، دموکراسی و انتخابات در عراق شکل گرفته است، اما تا رسیدن به نظم سیاسی مطلوب و چارچوب مناسب هویتی که در آن منافع همه گروه‌های قومی- مذهبی تأمین شود، راه زیادی در پیش دارد. چشم‌انداز آینده عراق مبهم و پر از بیم و امید است. در سایه تحولات داخلی چند سال گذشته، شکاف‌های قومی- مذهبی بار دیگر فعال شده و به همین واسطه مداخله‌جویی بیش از گذشته شده است (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). در نتیجه این مسائل روند بازسازی و پیشبرد برنامه ملت‌سازی را با دشواری روبرو ساخته است. هنوز هم برخی جریان‌های سیاسی عراقی برای تأمین اهداف گروهی خود و یا منافع کلان عراق، درصدد پیدا کردن حامی خارجی هستند. بنابراین، یکی از مسائل مهم در عراق جدید، حضور و مداخله نیروهای بیگانه و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده که می‌تواند سیاست خارجی عراق را در قبال ایران تحت تاثیر قرار دهد.

از طرف دیگر، عراق طی چند سال گذشته، بیش از پیش در معرض نفوذ و مداخله همسایگان خود قرار گرفته است. هر یک از این کشورها، منافع و امنیت ملی خود را در پیوند آشکاری با تحولات

و آینده بغداد می‌دانند و برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات، در امور داخلی آن دخالت می‌کنند و با استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، از جمله حمایت از گروه‌ها و احزاب سیاسی متحد، سعی در تأمین منافع خود دارند. بغداد در این زمینه دو هدف دارد: یکی تشویق و تحریک همسایگان برای ایفای نقش سازنده در عراق و دیگری کاهش نفوذ یا ایجاد توازن میان منافع بازیگران خارجی مؤثر در امور عراق که امری بسیار دشوار و پیچیده است؛ زیرا هرگونه توازن در منافع بازیگران خارجی، تا حدود زیادی به توازن داخلی میان گروه‌های قومی و مذهبی در تقسیم قدرت باز می‌گردد. در عین حال، سه گروه مؤثر در صحنه سیاسی عراق یعنی شیعیان، کردها و سنی‌ها، رویکردهای یکسانی نسبت به کشورهای منطقه، همسایگان عراق و آمریکا ندارند.

۴-۳. دولت‌های برآمده از انتخابات پارلمان

کشور عراق براساس ماده نخست قانون اساسی، کشوری مستقل بوده که نظام حکومتی آن جمهوری، پارلمانی، دموکراتیک و فدرال است. بند سوم ماده ۵۸ قانون اساسی، که به مواردی همچون انتخاب رئیس جمهور و دیگر اختیارات مجلس مقننه در انتخاب مقامات، و انتخاب نخست وزیر و غیره اشاره دارد، حکایت از آن دارد که انتخابات پارلمانی در عراق تنها به معنی انتخاب نمایندگان این کشور نیست، بلکه شامل انتخاب مقامات ارشد کشور از جمله رئیس جمهور و نخست وزیر گرفته تا امرای ارتش، وزرا، سفرا و قضات عالی کشور را نیز در برمی‌گیرد. بدون تردید در نظام سیاسی جدید که از سال ۲۰۰۵ میلادی در عراق تأسیس شده است، انتخابات پارلمان مهم‌ترین رویداد سیاسی در این کشور به‌شمار می‌رود که براساس آن گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی، قومی و مذهبی تلاش می‌کنند با جذب آرای بیشتر، قدرت افزون‌تری را از آن خود کنند و این امر می‌تواند سرنوشت کشور را برای یک دوره چهارساله تعیین کند (قائمی و قیاسی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۶). به همین دلیل، هم گروه‌های مختلف سیاسی در داخل عراق و هم کشورهایی که به نوعی تحولات سیاسی عراق و چگونگی قدرت‌گیری جریان‌های مختلف عراقی برایشان حائز اهمیت است، هریک به نوعی سعی در نقش‌آفرینی، تحرک و حضوری پررنگ در انتخابات پارلمانی دارند. در همین راستا، به سیاست‌ها و رفتارهای دولت‌های مختلف اشاره می‌شود که رویکردهای متفاوتی را در قبال ایران اتخاذ کردند و این امر بیانگر تاثیر و نقش دولت‌ها در نوع روابط با جمهوری اسلامی ایران است. شورای وزیران در عراق نقشی محوری در تدوین، تصویب، نظارت و اجرای تصمیمات سیاست خارجی ایفا می‌کند. قانون اساسی عراق اختیارات زیادی به نهاد نخست وزیر دولت فدرال عراق داده است.

در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ که دولت العبادی کرسی نخست وزیری را برعهده گرفت،

تلاش کرد تا در سیاست خارجی به ایجاد توازن در میان بازیگران عمق بخشید. نتایج برخی رویکردها و رفتار حیدر العبادی در عمل به تضعیف نیروها و جریان‌های همسو با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت منجر شد. به خصوص سیاست سلاح بیدالدوله که با هدف محدود کردن حشدالشعبی و نیروهای همسو با ایران طراحی شده بود. باید این واقعیت را پذیرفت که نخبگان سیاسی عراق در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ اصل توازن را در روابط و سیاست خارجی خود مدنظر قرار دادند (قائمی و قیاسی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۸). سلاح بیدالدوله هرچند یک رویکرد داخلی بود، اما برای جمهوری اسلامی ایران آثار و تبعاتی داشته و سیاست خارجی عراق را در رفتار با جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر قرار داد.

پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ جریان صدر به رهبری مقتدی صدر به پیروزی رسید. صدر بر موج ناسیونالیسم عراقی و افزایش احساسات ضد بیگانه در عراق سوار شده بود و خود را به عنوان یک شخصیت مستقل و ملی‌گرا معرفی کرد. صدر بارها از گروه‌های مورد حمایت ایران از قبیل وابستگان به حشدالشعبی انتقاد کرده و خواستار انحلال و ادغام آنها در ساختارهای رسمی دولتی شده است. هرچند در نهایت ائتلاف فتح (نزدیک به ایران و بخشی از چارچوب شیعی) توانست رأی بیشتری کسب کند و در نهایت موفق به تشکیل دولت با نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی شد. اما اختلافات میان احزاب سیاسی در پارلمان مانع از تکمیل شدن کابینه عبدالمهدی شد و این مسئله در کنار عوامل اقتصادی و سیاسی دیگر باعث گردید تنها بعد از ۱۳ ماه مجبور به استعفا شود (همان، ص ۳۱۰).

در پرتو تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ صحنه سیاسی عراق به کلی تغییر کرد و این امر دلالت بر این واقعیت دارد که انتخابات پارلمانی در عراق در شکل‌گیری دولت‌ها و تغییر در سیاست خارجی این کشور نقش مهم و تاثیرگذاری داشته است. جهت‌گیری کلی تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ به جریانات سکولار و ملی‌گرا نزدیک بود و فرصت ایجاد شده نهایتاً به انتخاب نخست‌وزیر موقت به نفع جریان‌های ملی‌گرا و سکولار تمام شد و در ۹ آوریل ۲۰۲۰ مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر عراق گردید. رویکرد الکاظمی را می‌توان در راستای تقویت ناسیونالیسم عربی و تضعیف نفوذ ایران تفسیر کرد (ازکات، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵). نخست‌وزیر موقت برخلاف دولت‌های پیشین، عربستان را به عنوان اولین مقصد خارجی خود انتخاب کرد که نشان از عمق توجه وی به هویت عربی و ارجحیت تعامل با عربستان نسبت به ایران بود. الکاظمی تلاش کرد سیاست داخلی و خارجی خود را در جهت منافع کشورهای عربی و کاهش نفوذ ایران و تضعیف جریان‌ها و شبه‌نظامیان همسو با ایران تنظیم کند. الکاظمی با اقداماتی مانند حمله به مقر کتائب حزب‌الله (یکی از جناح‌های نزدیک به ایران) و

دستگیری شماری از آنان توسط نیروهای ضدتروریسم، تغییر برخی از مسئولان امنیتی همسو با ایران و جایگزین کردن آنها با چهره‌های سکولار و ملی‌گرا، و محاصره برخی از منابع مالی آنها با قرار دادن نیروهای امنیتی و سرویس ضد تروریسم در مرزهای سوریه و ایران، به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت مرزها، در جهت مهار قدرت شبه نظامیان همسو با جمهوری اسلامی ایران به منظور کاهش نفوذ ایران در عراق گام برداشت (قائمی و قیاسی، ۱۴۰۲، ص ۳۱۰). در عرصه سیاست خارجی، در پی گسترش و تعمیق روابط خود با کشورهای عربی به ویژه عربستان و همزمان کاهش وابستگی به ایران بود. در همین راستا، پروژه انتقال برق و گاز از کشورهای حوزه خلیج فارس و اتصال شبکه برق عراق به کشورهای عربی، نشان‌دهنده تغییر بزرگ در عرصه سیاست خارجی عراق از سال ۲۰۰۳، یعنی دور شدن از ایران و بازگشت مجدد به محور کشورهای عربی است.

در انتخابات زودهنگام ۲۰۲۱ ائتلاف سائرون به رهبری مقتدی صدر، برنده اصلی بود، اما یک‌باره در بیانیه‌ای اعلام کرد که به صورت دائم از فعالیت سیاسی کناره‌گیری کرده و نتیجه این کناره‌گیری به قدرت رسیدن محمد شیاع السودانی بود که از شخصیت‌های نزدیک به مرجعیت و شیعیان و نیز مورد قبول سنی‌ها و کردها بود. السودانی خواهان رابطه نزدیک و همزمان با ایران و امریکاست و لذا به دعوت رسمی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، آذر ماه ۱۴۰۱ در صدر هیئتی اقتصادی و سیاسی با هدف توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای به تهران سفر کرد. با روی کار آمدن السودانی در عراق، نگاه اکثریت در ایران این بود که فردی طرفدار تهران در بغداد به قدرت رسیده است و برای همین انتخاب السودانی را پیروزی سیاسی منطقه‌ای برای ایران قلمداد کردند (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱). بنابراین، برپایه قانون اساسی جدید عراق، نقش رئیس‌جمهوری این کشور تشریفاتی بوده و امور اجرایی در دست نخست‌وزیر است که از سوی مجلس که امروزه بیشتر کرسی‌های آن در دست شیعیان است، برگزیده می‌شود و همین امر جهت‌گیری سیاست خارجی عراق را به نفع ایران رقم زده است.

۴-۴. احزاب و جریان‌های شیعی و کرد همسو با ایران

احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف عراق در فرایندهای منطقه‌ای به‌مثابه حلقه مؤثر بر روند سیاست‌گذاری خارجی ایفای نقش می‌کنند. تا جایی که آنها حمایت بین‌المللی را جستجو کرده و همچنین در راستای بیان مواضع برجسته خود در مورد موضوعاتی که طرفداران داخلی آنها به آن اهمیت می‌دهند، فعال هستند. جریان‌های سیاسی - مذهبی و ایدئولوژیک عراق، ارتباطات فراملی خود را دارند. این موضوع ناشی از میراث سال‌هایی است که گروه‌های مخالف عراقی مجبور به تبعید شده و دفاتر خود را در لندن، واشنگتن، دمشق، تهران و دیگر مکان‌ها به راه انداختند و به دنبال اتحاد

با قدرت‌های فراملی و بین‌المللی بودند.

احزاب و جریانات فرهنگی - سیاسی حاکم بر عراق، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ و حمله آمریکا به این کشور و شکل‌گیری یک‌سری متغیرهای جدید، همچون تقویت عنصر کردی و شیعی در ساخت قدرت و حکومت عراق، باعث شد تا از یک دشمن استراتژیک به یک همکار منطقه‌ای تبدیل شود و سیاست خارجی عراق را به نفع ایران تغییر دهد. احزابی مانند جامعه العلماء، حزب الدعوه الاسلامیه، سازمان عمل اسلامی، مجلس اعلاى انقلاب اسلامی که همراه با مواضع جمهوری اسلامی است و احزاب و گروه‌های کرد میانه‌رو مانند حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب سوسیالیست کردستان، همه در راستای منافع ایران حرکت کرده‌اند (سهرابی، اشرفی و کریمی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۵). بدون تردید جریانات فرهنگی و سیاسی حاکم بر عراق بر سیاست داخلی و خارجی عراق تاثیرگذار بوده و همین امر بر سیاست خارجی عراق در قبال ایران نیز اثر گذاشته است. بنابراین، دو معیار مذهب و قوم‌گرایی در سیاست عراق از اهمیت زیادی برخوردار بوده و از سوی دیگر اشتراکات فرهنگی و تمایلات سیاسی احزاب سیاسی شیعی و کرد پیوند تنگاتنگی را با ایران برقرار نموده است.

در این راستا، تحولات جدید سیاسی و سقوط رژیم بعث عراق و شکل‌گیری حکومت شیعی و فعال شدن احزاب و جریانات سیاسی مختلف همسو با جمهوری اسلامی، زمینه‌های افزایش ظرفیت‌سازی در روابط منطقه‌ای ایران را فراهم نموده است. به عبارت دیگر، نقش احزاب شیعی و استراتژیک کردن نقش عنصر شیعی، به معنای تقویت و تثبیت موقعیت ایران در حوزه‌های نفوذ و رقابت در منطقه و به ویژه خلیج فارس است. به همین دلیل نقش آفرینی ایران از راه احزاب و گروه‌ها و جریانات سیاسی فراتر از مسائل امنیتی بوده و این واقعیت را آشکار می‌سازد که سیاست خارجی عراق در پرتو رویکرد احزاب و گروه‌های سیاسی این کشور رقم می‌خورد (برزگر، ۱۳۸۷، ص ۹۱).

نکته قابل توجه این است که مهم‌ترین گزینه کردها برای داشتن موقعیت بهتر، ائتلاف آنها با اکثریت شیعه است که این خود یک نفع سه سویه برای کردها، شیعیان عراق و ایران است. به خصوص که کردهای عراق به واردات گاز ایران وابسته بوده و رهبران کردها از سرمایه‌گذاری ایرانیان در شمال عراق استقبال کرده‌اند (سهرابی، اشرفی و کریمی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۲). به همین جهت ایران باید براساس تشابهات فرهنگی بسیاری که در میان شیعیان دارد، زمینه را برای بکارگیری هرچه بیشتر نفوذ و قدرت‌گیری این گروه‌ها در دولت عراق و سپس تحکیم جایگاه آنان فراهم کند. بی‌تردید ورود پررنگ عنصر شیعه در ساخت قدرت و سیاست عراق، زمینه‌های ظرفیت‌سازی در روابط ایران و عراق را افزایش داده است. تعامل تمام گروه‌های فرهنگی - قومی جامعه عراق اعم از شیعیان و کردها با

ایران، اهمیت فراوانی دارد و سیاست خارجی عراق را به نفع ایران تغییر داده و می‌توان گفت با تغییر ساخت قدرت و سیاست در عراق، زمینه‌های فرصت‌سازی جدیدی برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده است.

۴-۵. شکل‌گیری گروه‌های تکفیری - سلفی

یکی دیگر از بسترهای اتحاد راهبردی ایران و عراق، شکل‌گیری گروه‌های تکفیری - سلفی در این کشور است. پس از سقوط صدام، به تدریج گروه‌های تکفیری - سلفی، کشور عراق را مأمونی مناسب برای پیشبرد اهداف و مطامع سیاسی خود دیدند. چراکه استقرار یک دولت شیعی در رأس امور اجرایی عراق، منافع برخی از سران منطقه، بعثی‌ها و گروه‌های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است. روند خشونت پس از شکل‌گیری دولت شیعی در عراق که در تضاد با منافع سنی‌ها بود، شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری‌ها، بخصوص داعش در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. در رابطه با داعش بایستی اشاره کرد که نطفه شکل‌گیری اولیه این گروه در اکتبر ۲۰۰۶ با عنوان دولت اسلامی عراق و شام توسط فردی به نام ابوعمر بغدادی بسته شد. البته ابوعمر مدتی بعد در جریان درگیری‌های مسلحانه در منطقه الغزالیه عراق کشته شد و بعدها جانشین او ابوبکر بغدادی گردید که فرماندهی گروه داعش را در دست دارد. در حقیقت داعش یکی از زیرمجموعه‌های جریان وهابیت است که با توجه به شرایط و سیاست‌های حاکم بر منطقه، به طور مرتب تکثیر شده است. ایدئولوژی اصلی داعش همان وهابیت بوده و در رویکرد فکریشان قائل به این امر هستند که باید به اسلام اولیه و سلف صالح بازگردند. این گروه مذهب تشیع و حتی تمامی مذاهب به وجود آمده بعد از صدر اسلام را نوعی بدعت تلقی می‌کنند و جهاد با هدف نابودی آنان را رسالت تاریخی خود می‌دانند (صادقی، مارابی و اکسا، ۱۳۹۵، ص ۱۴۹).

۴-۶. حشد الشعبی (بسیج مردمی)

در سال ۲۰۱۴ آیت‌الله سیستانی طی فتوایی، عراقی‌ها را به تشکیل نیروهایی برای دفاع از کشور، مردم و مکان‌های مقدس دعوت کرد. این فتوای جهادی بعد از اشغال داعش در موصل، صلاح‌الدین، الانبار، دیاله و کرکوک و تهدید به اشغال کربلا، نجف و بغداد داده شد. در واکنش به این فتوا، صدها هزار جوان، به خصوص در مناطق شیعه‌نشین عراق، به این فتوا پاسخ مثبت دادند. بعد از آن دولت عراق تصمیم بر استقرار نیروهای داوطلب بسیج مردمی کرد و بسیاری از مناطق تحت کنترل در جنوب بغداد، دیاله و صلاح‌الدین را برای آزادسازی مدیریت نمود (AL-KADHIM, 2015). بسیاری از گروه‌های جهادی همچون سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، کتائب سیدالشهداء، عصائب

اهل حق، جیش المهدی، کتاب امام علی، سرای عاشورا، سرای السبلم، سرای خراسانی و غیره در این نیرو ادغام شده‌اند. محوریت این سازمان، مبتنی بر اندیشه سیاسی شیعی بوده که حول مفاهیم جهاد، قیام، و امر به معروف شکل گرفته است. لذا، در آموزش نیروها از سوی جمهوری اسلامی ایران مورد پشتیبانی قرار گرفت. چنانکه برای نمونه می‌توان به گفته یکی از رهبران ارشد نیروهای بسیج مردمی اشاره کرد، ابومهدی مهندس بیان می‌کند که آمریکا نخست در سال ۲۰۱۴ به درخواست عراق برای کمک به حکومت عراق تمایلی نداشت و کمک نکرد، اما همان زمان از ایران درخواست همکاری شد و ایران به مقدار کافی برای مقابله با این گروهک به حکومت عراق کمک کرد (هاشمی، فرجی‌راد و سرور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱).

۴-۷. تأثیر ساختار نظام بین‌الملل (سیستم) بر سیاست خارجی عراق

براساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، ساختار نظام بین‌الملل می‌تواند بر سیاست خارجی کشورها اثرگذار باشد. قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای تاکنون به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست خارجی عراق تأثیرگذار بوده‌اند (کمالی گوکی و علیزاده، ۱۴۰۳، ص ۱۷۴). در میان عوامل ساختاری نظام بین‌الملل، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی عراق شناخته می‌شود. آمریکا از طریق مکانیزم‌های مختلفی همچون تحریم، نفوذ سیاسی و امنیتی، سیاست خارجی بغداد را به سمت همسویی با خواسته‌های خود سوق داده است. از دلایل اهمیت عراق برای آمریکا می‌توان به این موارد اشاره کرد:

منابع نفت و گاز: حفظ امنیت عرضه انرژی برای آمریکا.

پایگاه نظامی: تداوم حضور نظامی در منطقه.

امنیت اسرائیل: ایجاد سپر حفاظتی در برابر تهدیدها.

کاهش نفوذ ایران: مهار رقیب منطقه‌ای.

روی کار آوردن متحدان: گسترش نفوذ سیاسی.

تسلط بر منطقه: تحقق اهداف راهبردی کلان.

این موارد منجر به دخالت‌های مستقیم این کشور در طول سده اخیر در صحنه سیاسی عراق شده است. نمونه‌هایی از این دخالت‌ها عبارت است از اشغال نظامی عراق در سال ۲۰۰۳، توافقنامه امنیتی و چارچوب راهبردی ۲۰۰۸، حضور تحت عنوان مبارزه با داعش در سال ۲۰۱۴، توافقنامه امنیتی ۲۰۲۰-۲۰۲۱، علاوه بر دخالت‌های مستقیم آمریکا از طریق نفوذ در ساختار سیاسی عراق نیز بر سیاست خارجی این کشور اثر می‌گذارد.

در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران در راستای تقابل با آمریکا و حفظ منافع خود، از

گروه‌های مقاومت در عراق حمایت می‌کند تا رهبرانی همسو با خود را تحت عنوان گفتمان اسلام‌گرایی به قدرت برساند (Katzman, 2010, p. 2). برخی از رهبران جدید عراق که پس از ۲۰۰۳ به قدرت رسیده‌اند، سابقه زندگی در ایران در زمان حکومت صدام را دارند و به همین دلیل، گرایش‌های سیاسی آنها به جمهوری اسلامی نزدیک تلقی می‌شود. در راستای این استراتژی، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا در سیاست خارجی عراق، گفتمان مقاومت را در برابر گفتمان سکولار تقویت کند. روی کار آوردن نخست وزیران اسلام‌گرا در سالیان گذشته، گواه این تلاش است.

در کنار دو بازیگر اصلی، می‌توان به دیگر کشورهای تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل همچون اتحادیه اروپا، روسیه، چین، ژاپن، عربستان، ترکیه و غیره اشاره کرد که در جلب نظر برخی از احزاب عراقی برای دستیابی به منافع و سرمایه‌گذاری در عراق، تلاش می‌کنند (نعاس شنافه، ۲۰۱۲م، ص ۲۳۰-۲۲۴). کشورهایمانند چین، با سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری در سال به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری عراق در کنار روسیه و ترکیه، با نفوذ در اقتصاد این کشور و وابسته کردن بخشی از اقتصاد بغداد به خود، اهرم فشاری در اختیار می‌گیرند که از آن در جهت اهداف سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی خود استفاده می‌کنند. اجرای این موارد به توسعه اقتصادی عراق و افزایش نفوذ اقتصادی بازیگران دخیل منجر خواهد شد. به همین دلیل، می‌توان ادعا کرد که افزایش نفوذ اقتصادی به افزایش نفوذ سیاسی و امنیتی قدرت‌های بازیگر در عراق منجر شده است (کمالی گوکی و علیزاده، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵).

۵. چالش‌های روابط عراق و جمهوری اسلامی ایران

یکی از چالش‌های تأثیرگذار در روابط ایران و عراق، نزدیکی رژیم صهیونیستی با کردستان عراق است. هر دو طرف اسرائیل و کردها منفعی در جهت نزدیکی به یکدیگر دارند. اولین دلیل حضور اسرائیل در کردستان را می‌توان به همسایگی کردستان به سه کشور ایران، سوریه و ترکیه و خود عراق نسبت داد. غیر از ترکیه سایر کشورها از دشمنان اسرائیل می‌باشند و لذا اسرائیل قصد دارد با نفوذ در کردستان، به آنان فشار وارد کند. از سوی دیگر، اسرائیل می‌تواند از جدایی کردستان از عراق، مانع تشکیل یک دولت قوی و نظامی مانند عراق زمان صدام شود و موجب گسترش درگیری‌های قومی و مذهبی در عراق گردد که این امر در تعارض با منافع سه کشور دیگر از جمله ایران خواهد بود. بنابراین، جمهوری اسلامی همواره مخالف نفوذ اسرائیل در کردستان بوده و همین مسئله موجب اختلاف و چالش در روابط این کشورها شده است. بدیهی است حضور اسرائیل در عراق در نزدیکی ایران، به عنوان مهم‌ترین دشمن اسرائیل، می‌تواند امنیت ایران را به خطر اندازد (سلامی، ۱۳۹۰، ص ۸۵).

یکی دیگر از مسائل چالش‌زا در روابط دو کشور ایران و عراق، رقابت منطقه‌ای همسایگان این کشور است. عراق جدید به دلیل خلاء قدرت حاکمیتی، سبب رقابت شدید میان قدرت‌های منطقه‌ای شده که در این میان می‌توان به ایران، ترکیه و عربستان اشاره کرد:

عربستان سعودی با فروپاشی رژیم بعث و شکل‌گیری ساختار جدید قادر به پذیرش واقعیت‌های جدید این کشور نبوده و سران سعودی نگران شرایط جدید عراق هستند که در آن شیعیان قدرت برتر را دارند. سعودی‌ها مرکز شورشیان خارجی در عراق بوده و از نظر مالی نیز بیشترین کمک را برای تقویت جریان شورش در عراق کرده‌اند (توکلی، قاسمی و سید احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). هرچند به تدریج این سیاست تغییر کرده و در سطح داخلی به دنبال تثبیت حکومت عراق و حضور مستمر و تاثیرگذار هستند و در سطح منطقه‌ای نیز درصدد مشارکت و تعامل مثبت به عنوان رویکردی جدید برای توازن‌سازی در مقابل ایران می‌باشند. ترکیه نیز به عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای بوده که منافع و مسائل امنیتی خود در عراق نوین را با مسئله کردها و حفظ تمامیت ارضی خویش تعریف می‌کند. در میان همسایگان عراق، ترکیه تنها کشوری است که ادعای ارضی نسبت به عراق دارد (توکلی، قاسمی و سید احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱). سیاست رسمی ترکیه مخالفت با فدرالیسم و تشکیل دولت خودمختار کردی بود و از سوی دیگر، ترکیه با حمایت از حقوق اقلیت ترکمن در عراق، زمینه نفوذ خود در شمال این کشور را برای اعمال فشار بر کردها فراهم می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

در دوران پساصدام، رویکردهای سیاسی داخلی و خارجی عراق در مقایسه با گذشته تغییرات اساسی کرده است. این تفاوت‌ها به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ میلادی نسبت به جمهوری اسلامی ایران بارزتر بوده است. البته روشن است که نوع سیاست خارجی (شامل رفتارها، موضع‌گیری‌ها، نوع و کم و کیف همکاری‌ها و...) نیز در دولت‌های متعدد روی کار آمده پس از سقوط صدام در عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌هایی داشته است. در پرتو اصول و اهداف سیاست خارجی عراق نوین، شاهد تغییر بنیادین در سیاست خارجی عراق هستیم. این اهداف و اصول عبارتند از: استقلال در سیاست خارجی، دوری از ائتلاف‌های متخاصم منطقه‌ای، گشایش راهبردی در چارچوب تعاملات صلح‌آمیز، جهت‌گیری به سمت توازن منطقه‌ای استراتژیک از طریق روش‌های صلح‌آمیز و مبارزه با هر نوع نژادپرستی و تروریسم و افکار تکفیری.

سقوط صدام پس از حمله امریکا، زمینه به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای مرتبط و همسو با ایران را فراهم نمود. از طرفی گروه‌های شیعی و کرد عراق به نوعی علاقه‌مند به حضور ایران در صحنه قدرت و سیاست عراق می‌باشند، تا از این طریق تعادل قدرت مرکزی که سال‌ها در اختیار سنی‌ها

بود، به نفع آنها حفظ گردد. بنابراین، ساخت جدید قدرت و سیاست در عراق، به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است. ورود آمریکا به عراق و زمین‌گیر شدن رقیب استراتژیک ایران، سیاست خارجی عراق را به سمت ایران سوق داد و فرصت دیگری بود که در اختیار ایران قرار گرفت. کاهش نفوذ اعراب سنی به دلیل به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور نیز باعث شد اهمیت ایران در معادلات داخلی عراق افزایش یابد. از آنجا که احزاب دینی شیعی در عراق در رأس قدرت بوده و حکومت این کشور را تشکیل می‌دهند، لذا، نفوذ ایران در این کشور، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی در سطح بالایی قرار دارد. شبه نظامیان مطرح در عراق، همگی پشتیبان ایران هستند. همچنین نفوذ بالای ایران در گروه‌های مختلف سیاسی - شیعی می‌تواند به عنوان یک اهرم برقراری ثبات و امنیت مورد استفاده قرار گیرد و جمهوری اسلامی در مقاطع گوناگون به عنوان بازیگر میانجی به وساطت بین گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ایفای نقش کرده است.

منابع

- ازکات، سمیرا (۱۴۰۰). *دولت موقت الکاظمی: روابط عراق و عربستان، تقویت ناسیونالیسم عربی؛ علل و پیامدها*. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترس در: www.View/Page/ir.cmess.2021
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷). *ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس*. انتشارات شادان.
- توکلی، یعقوب؛ قاسمی، بهزاد؛ سید احمدی، سید محمد (۱۳۹۲). *روابط ایران و عراق پس از صدام؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲(۵).
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹). *مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید*. *مطالعات راهبردی*، ۱۳(۴).
- دحام متعب، مالک (۲۰۱۳). *خوانش سیاسی در روابط خارجی عراق با کشورهای همسایه*. *سیاست بین‌المللی*، شماره ۲۳.
- دیپلماسی ایرانی (۱۴۰۱). *السودانی تحت فشار آمریکایی‌ها و مقتدی صدر*. قابل دسترس در: www.irdiplomacy.ir/fa/news/2017549
- سلامی، محمد (۱۳۹۰). *تعارضات و منابع تنش در مناسبات ایران و عراق پس از صدام*. *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۴.
- سهرابی، محمد؛ اشرفی، امراه؛ کریمی، مرتضی (۱۳۹۵). *کالبدشناسی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق و تاثیر آنها بر روابط ایران و عراق*. *مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۳۴.
- عبدالحسینی، یاسر (۲۰۱۵). *اتحاد یک استراتژی برای سیاست خارجی عراق: چشم‌انداز، پیشگامی و آینده*. *پژوهش‌های استراتژیک*، شماره ۹.
- عطوان، خضر عباس (۲۰۰۴). *چشم‌اندازی آینده‌نگر پیرامون روابط عراق و کشورهای عربی*. بیروت: مرکز مطالعات وحدت عربی.
- فکرت نامق، عبدالفتاح و همکاران (۱۴۰۰). *عوامل تعیین‌کننده مواضع آمریکا در قبال بحران امنیتی در عراق پس از وقایع موصل*. *مسائل سیاسی*، شماره ۳۷.
- قائم، یاسر؛ قیاسی، صابر (۱۴۰۲). *سیاست خارجی عراق و روابط با ایران، در پرتو تغییر حاکمان سیاسی عراق (بعد از سقوط صدام، ۲۰۰۳-۲۰۲۲)*. *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۲(۲).
- کمالی گوکی، محمد؛ علیزاده، سینا (۱۴۰۳). *تحلیل گفتمان و بررسی عوامل مؤثر در تحول سیاست خارجی عراق در چهارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک*. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۳(۱).
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۲). *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*. ترجمه و تنظیم حمیدرضا ملک‌محمدی نوری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ مارابی، مهری؛ اکسا، نرگس (۱۳۹۵). *ایران - عراق چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه*. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۲۲).
- نعاس شنافه، صباح (۲۰۱۲). *استراتژیچه السياسة الخارجیة العراقیة لما بعد عام ۲۰۰۳*. مرکز الدراسات الدولية، العدد ۵۱.

والتز، کنت (۱۳۸۶). *اندیشه واقع‌گرایی و نظریه نو واقع‌گرایی*. در: اندرو لینکلتر، نواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، علیرضا طیب. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم (۱۳۹۶). تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۵(۲).

هراتی، محمدجواد؛ سلیمانی، رضا؛ عبادی، عبدالواحد (۱۳۹۵). تاثیر ساختار سیاسی جدید عراق بر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۴۶.

Al-kadhim, M. (2015). *will sistani be able to control popular mobilization forces*.

URL= <http://www.al-monitor.com/pulse/ru/contents/articles/originals/2015/03/iraq-sistani-righteous-jihad-fatwa-popular-mobilization.html>

Katzman, K. (2010). *Iran-Iraq Relations*. *Congressional Research Service*.

URL= <https://www.refworld.org/reference/countryrep/uscrs/2010/en/75971>